

فصلنامه مطالعات شبه قاره

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال سوم، شماره هشتم، پاییز ۱۳۹۰

(صص ۳۴-۷)

دکتر امیر حمزه سالارزایی*

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی

دانشگاه سیستان و بلوچستان

مطالعه ی تطبیقی حقوق غیر مسلمانان اهل ذمه در قانون اساسی ایران و پاکستان

چکیده

یکی از مسایل بسیار مهمی که امروزه کشورهای اسلامی با آن مواجهند و بحث و نقد آن ضروری است، چگونگی ارتباط و همزیستی با غیرمسلمانان از جنبه های گوناگون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و ... است. از باب نمونه بررسی نگرش قانون اساسی دو کشور ایران و پاکستان به این مسأله که از بین چهار کشور دارای حکومت جمهوری اسلامی (ایران، پاکستان، افغانستان و موریتانی) قوانینشان بیشتر با اسلام تناسب و هماهنگی دارد، ضروری به نظر می رسد. قانون اساسی این دو کشور در اصول متعددی به حقوق غیرمسلمانان مقیم در جامعه خود اشاره داشته و مسلمانان را موظف به رفتار با آنان نموده است و حقوقی را بصورت عام و کلی در مورد ایشان، از آن جهت که شهروند جامعه اسلامی هستند، در نظر گرفته اند، که بیانگر نحوه ی نگرش مسلمانان نسبت به رفتار و تعامل با غیرمسلمانان است. پرسش اساسی این پژوهش این است که آیا قانون اساسی ایران و پاکستان به عنوان دو نظام جمهوری اسلامی، به اقتضای عصر ارتباطات، حقوق غیر مسلمانان را به خوبی استقصاء کرده اند؟

*Email: amir_hsalar @ theo.usb.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۰/۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۰/۱/۱۵

و فرضیه این مقاله عبارت است از این که قانون اساسی ایران و پاکستان به اقتضای عصر I.C.T نیازمند بازنگری در تکمیل حقوق پایه شهروندان غیرمسلمان است.

در نوشتار حاضر با بررسی قانون اساسی ایران و پاکستان به عنوان دو کشور مسلمان نشین که دین رسمی آنان اسلام است و کلیه ی قوانین و مقررات آن باید براساس موازین اسلامی باشد (وفق اصل ۴ قانون اساسی ایران و اصل ۲۲۷ قانون اساسی پاکستان) به نقاط اشتراک و افتراق و نقاط قوت و ضعف آنان در زمینه ی حقوق غیرمسلمانان پرداخته می شود. این تحقیق به روش توصیفی - تطبیقی و با استفاده از منابع کتابخانه ای است.

کلید واژه ها: حقوق غیرمسلمانان، جامعه ی اسلامی، حقوق اساسی، ایران، پاکستان،

ضعف ها و قوت ها.

مقدمه

اصل چهاردهم قانون اساسی ایران مقرر می دارد: به حکم آیه ی شریفه «لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین» (ممتحنه ۸) دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

از نظر حقوقی، قانون اساسی یک کشور، عالی ترین سند حقوقی آن کشور محسوب می گردد که از بطن حقوق اساسی و فرهنگ حاکم بر جامعه زاده می شود. از آنجایی که در عصر کنونی که معروف به عصر ارتباطات و خانواده جهانی است، مقایسه و مطالعه ی تطبیقی عالی ترین سند هر نظام حکومتی که قانون اساسی آن است، برای بهره مندی از مزیت های موجود در مجموعه قوانین اساسی و ارتقای آن، به این پژوهش پرداخته شده، ضروری به نظر می رسد؛ به این پژوهش پرداخته شد.

چنان که می دانیم در گستره ی کشورهای جهان، چهار کشور ایران، پاکستان، افغانستان و موریتانی دارای عنوان حکومت جمهوری اسلامی هستند. بدون شک مقایسه ی این کشورها در قلمرو حقوق اساسی متجلی در قانون اساسی، می تواند به ارتقای سطح کیفی و حتی کمی قانون گذاری، آن هم مبتنی بر روح قرآن و سنت، کمک نماید.

کلیات پژوهش

قانون اساسی ایران و پاکستان که آمیزشی از دین و اراده شهروندان دو کشور است به ترتیب بر اساس اصول چهارم و دویست و بیست و هفتم، مبتنی و برگرفته از اسلام است. حال در یک تطبیق نسبتاً دقیق، بنا داریم فرضیه ی مندرج در چکیده مقاله را در بوته ی آزمون گذاشته بررسی نماییم.

مطالعه ی تطبیقی دو قانون اساسی می تواند، در عرصه های گوناگون صورت گیرد؛ اما محدوده ی این پژوهش، فقط پیرامون برخی حقوق کفار اهل ذمه در حقوق اساسی ایران و پاکستان، با بیان توصیفی و روش کتابخانه ای و مراجعه به سایت های معتبر خواهد بود.

مراد از جمهوری اسلامی

در این ترکیب اضافی، دو عنصر اساسی جمهوریت و اسلامیت، باید در تدوین همه قوانین اعم از اساسی و عادی مدنظر باشد؛ یعنی در چشم انداز وضع قوانین، هم دموکراسی که تحقق اصل حاکمیت اراده شهروندان به عنوان یک حق اساسی است، ملحوظ است و هم روح اسلام به عنوان یک مکتب زنده و تعالی بخش و دین خاتم. در یک جمله، دموکراسی دینی مدنظر قرار می گیرد. عنصر انسانی یا عامل جمعیت در یک محدوده ی سرزمینی، در تشکیل دولت و حاکمیت نقش کلیدی دارد .

همه ی شهروندان، تحت یک عنوان سیاسی به نام تابعیت، تحت یک حاکمیت قرار می گیرند. این رابطه ی سیاسی - معنوی در قالب حقوق و تکالیف زیادی، بدون در نظر گرفتن زبان، نژاد و دین، برقرار می گردد. وقتی دو عنصر جمعیت و سرزمین از یک انسجام

و ارتباط وثیق برخوردار باشند، ناگزیر از حقوق متقابل دولت- ملت برخوردار خواهند بود. در غیر اینصورت اقتدار سیاسی حاکمیت رو به ضعف و اضمحلال خواهد بود. البته ملت بدون دولت هم، مانند کشتی شناور در دریای متلاطمی است که سکان دار نداشته باشد و هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند.



وقتی جزء جمهوریت را در نظر می آوریم، رعایت حقوق همه ی مردم یک جامعه با صرف نظر از تقیّدات، حتی تقیّد دین به ذهن متبادر می شود. قهراً این وصف مشترک لوازمی را به دنبال می آورد. که رعایت آن برای حاکمیت اجتناب ناپذیر است. نمونه هایی را می توان چنین ذکر کرد: حق اساسی حیات و امنیت، حق تحصیل، اشتغال، مسکن، حق انتخاب و برخورداری از آزادی اندیشه.

بدون تردید قید اسلامیت، بخش قابل توجهی از برخورداری ها را به (اصطلاح فقهی)، به شرط شیء می کند. البته ما معتقدیم چون قوانین اسلام از قدرت لایزال الهی سرچشمه

می‌گیرد، در حاق واقع برای همه انسان‌ها مفید و تعالی بخش خواهد بود، هرچند به ظاهر ناخشنود و غیر نافع به نظر آید؛ اما بطور حتم به مصلحت خواهد بود. خداوند می‌فرماید: «کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم و عسی ان تحبوا شیئاً و هو شر لکم و الله یعلم و انتم لا تعلمون» (بقره ۲۱۶)

تعریف شهروند غیرمسلمان

در منشور حکومتی حضرت علی (علیه السلام) چه زیبا به حقوق شهروندی تکیه شده است. آن حضرت به مالک اشتر می‌نویسد: «ثم اعلم یا مالک فانهم (مردم) صنفان: إما أخ لک فی الدین او نظیر لک فی الخلق» (حضرت علی بن ابیطالب، ۱۴۱۸: ۵۹۰)

ای مالک، بدان که مردم تحت فرمان تو، دو دسته‌اند: یا برادر دینی تو هستند یا اگر، هم‌دین تو نیستند، مانند تو عضو جامعه هستند که حقوق ایشان باید رعایت گردد.

در ایران بیش از ۹۵ درصد و در پاکستان تا ۹۷ درصد جمعیت، مسلمانند، که با داشتن ۲۰ درصد شیعه پس از ایران بیشترین جمعیت شیعه را داراست..

علیرغم این که مذهب احناف از اکثریت برخوردارند؛ اما قانون اساسی این کشور براساس اسلام تنظیم گردیده نه براساس مذهب حنفی، که این امر محل تأمل است. بنابراین در ایران و پاکستان شهروندان غیر مسلمان درصد بسیار اندکی را تشکیل می‌دهند.

تعریف غیر مسلمان

نکته ظریفی که کمتر بدان توجه شده است این که نقطه‌ی مقابل مسلمان، کافر نیست؛ بلکه غیر مسلمان است و نقطه‌ی مقابل مومن، کافر است؛ اما به دلیل پیروی از اصطلاح رایج در منابع حقوقی، از هر دو اصطلاح بعنوان دو واژه‌ی مترادف استفاده خواهیم کرد.

کافر در لغت از ریشه‌ی «کَفَر» به معنای پنهان کردن و پوشاندن چیزی، همچنین از ریشه‌ی «کُفْر» به معنای انکار و جحد یک چیز است. طبق این معانی می‌توان برای واژه‌ی کفر یک معنای کلی متصور شد و آن انکار و پنهان کردن است. بدین ترتیب کسانی که به خدا و رسولان و یا ضروریات دین ایمان نمی‌آورند، کافرند؛ زیرا روی حقایق سرپوش

می نهند و آن را کتمان می کنند. از جمله تعاریف لغت شناسان می توان به تعاریف ذیل اشاره نمود:

ابن منظور کفر را چنین تعریف می کند: «الکفر نقيض الايمان، آمنا با الله و کفرنا با الطاغوت ... و الکفر: کفر النعمه و هو نقيض الشکر. و الکفر: جحود النعمه، و هو ضد الشکر...» (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۶۸۸/۷)

راغب اصفهانی در مورد معنای کفر چنین می گوید: «الکفر فی اللغه ستر الشيء و وصف الليل بالكافر لستره الاشخاص، والزراع لستره البذر فی الارض» (اصفهانی، ۱۴۲۷: ۷۱۴) همچنین شیخ طریحی می نویسد: « قوله تعالى (ولا تكونوا اول کافر به) أى اول من کفر به و جحد ... فالکفر الجاحد للخالق ... » یعنی کافر کسی است که منکر خالق باشد. (طریحی، ۱۴۰۸: ۵۱/۴)

بنابراین در علم لغت کفر به معنای کتمان کردن و پوشاندن است و نیز کفر نقيض ايمان تلقی می گردد؛ چنان که می گوئیم به خدا ايمان آوردیم و به طاغوت کفر ورزیدیم. کفر نعمت هم داریم که نقطه مقابل آن شکر نعمت قرار می گیرد. همین طور پوشاندن چیزی را هم کفر گویند؛ چنان که شب و کشاورز هم متصف به کفر می شوند، از باب این که اولی اشخاص و اشیاء را می پوشانند و دومی بذر را زیر خاک پنهان می کند. وجه تسمیه ی کشاورز و شب به کافر نیز همین معناست؛ زیرا کشاورز دانه را در زمین پنهان می کند و شب سایه ظلمت را بر افراد و اشیاء می کشاند.

و اما در اصطلاح فقه، کافر به کسی اطلاق می شود که دین اسلام یا یکی از ضروریات آن از قبیل: وحدانیت خداوند، رسالت پیامبر، معاد، قرآن و... را نپذیرد. محقق حلی، کافر را این چنین تعریف می کند: «الکافر و ضابطه کل من خرج عن الاسلام أو من انتحله و جحد ما يعلم من الدین ضروره كالخوارج و الغلاه» معیار کافر بودن آن است که یا از دین اسلام خارج گردد و یا مانند خوارج و غلات، ضروری دین را انکار کند. (محقق حلی، ۱۴۰۹: ۴۲/۱) و نیز علامه ی مجلسی در مورد کافر می نویسد: « و من رد کتاب الله فهو کافر» هرکس کتاب خدا را نپذیرد، کافر است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲۱/۲۵)

اقسام کفار

در یک تقسیم بندی کلی کافر بر دو قسم است: مرتد و کافر اصلی

الف) مرتد

مرتد به کسی اطلاق می شود که قبلاً مسلمان بوده، سپس از دایره اسلام خارج شده و کفر را برگزیند. علامه حلی یکی از دلایل ارتداد را انکار ضروریات دین دانسته و می نویسد: «هُوَ مُرْتَدٌ ، لِأَنَّهُ جَحَدَ مَا هُوَ مَعْلُومٌ بِالضَّرُورَةِ مِنْ دِينِ الْإِسْلَامِ.» (حلی ۱۴۱۰: ۲۹۸/۲)

مرتد به دو گروه مرتد فطری و مرتد ملی تقسیم می شود.

مرتد فطری به کسی اطلاق می شود که پدر و مادر او یا یکی از آن دو، در هنگام تولد وی، مسلمان بوده باشند و خود او نیز پس از رسیدن به سن تکلیف، اسلام را انتخاب نموده و سپس از دایره اسلام خارج شده باشد و مرتد ملّی نیز، مقابل آن است. شیخ طوسی در مورد اقسام مرتد می نویسد: «المرتدُّ علی ضَرَبَینِ: مُرْتَدٌ عَنِ فِطْرَةِ الْإِسْلَامِ ... وَالْآخَرُ: مَنْ كَانَ أَسْلَمَ عَنْ كُفْرٍ ثُمَّ ارْتَدَّ» (حلی ۱۴۱۷: ۳۳۳/۴)

هر کدام از مرتد ملی و فطری احکام خاصی دارند؛ مانند این که مرتد ملی توبه داده می شود و اگر توبه نکرد، کشته خواهد شد و مرتد فطری بدون توبه، کشته می شود. (اردبیلی، ۱۴۰۹: ۳۱۹/۱۳)

ب) کافر اصلی

کافر اصلی کسی است که از بدو تولد و بدون داشتن سابقه ی اسلام، کافر بوده است. کافر اصلی خود بر دو قسم است: کافر حربی و کافر غیر حربی. کافر حربی کافری است که با مسلمانان سر جنگ دارد هرچند بالفعل جنگ نمی کند. کفار حربی عبارتند از: بت پرستان، ستاره پرستان، مارکسیست ها و ... که مقاتله و مقابله با این گونه کفار لازم است. کافران غیر حربی، نقطه ی مقابل کافران حربی هستند؛ یعنی کسانی که با مسلمانان جنگ ندارند و عهدنامه ای با حکومت اسلامی امضا کرده باشند که بر اساس آن بتوانند در جامعه اسلامی زندگی کرده و از حقوق و مزایای شهروندی بهره مند گردند.

کافران غیر حربی که حق ورود و یا اقامت در جامعه اسلامی را دارند، به سه گروه تقسیم می شوند: مستأمن، معاهد و ذمی.

مستأمن و معاهد

مستأمن ها کفاری هستند که با اخذ امان نامه از حکومت اسلامی، مدتی را در کشور اسلامی بسر ببرند. بنابراین امان موقت شبیه به گذرنامه یا جواز ورودی است که به دارنده آن حق ورود و اقامت موقت همراه با تضمین امنیت و حمایت را اعطا می کند. مهمترین مستند شرعی عقد امان آیه ذیل است:

«وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ» (توبه، آیه ۶) (و اگر کسی از مشرکان از تو پناه خواست به او پناه بده، تا آن که کلام الهی را بشنود، سپس او را به جای امنش برسان، این از آن است که ایشان قومی ناآگاه اند).

همچنین در یکی از منابع معتبر فقهی در مورد مستأمن و معاهد چنین وارد شده است: «المستأمن من دخل الينا بامان» (حلی، ۱۴۱۴: ۶۲۷/۲)، مستأمن کسی است که به قصد امان، داخل در جامعه اسلامی شود.

ذمی

غیرمسلمانان اهل کتابی که با حکومت اسلامی عقد ذمه منعقد کرده باشند که طبق این قرارداد، کفار مزبور در قبال التزام به شرایط خاصی، در پناه حکومت اسلامی از حقوق و مزایایی برخوردار می شوند.

مقصود از «اهل کتاب» پیروان ادیان یهود، زردشت و مسیح هستند که پیامبر و کتاب آسمانی و الهی دارند. علامه حلی در مورد اهل کتاب می گوید: «ان یكون المراد باهل الكتاب من له كتاب باق أو لأنهم كانوا يعرفون کتابی اليهود و النصارى» (حلی، ۱۳۳۳:

نکته ی قابل توجه این که فقهای اسلامی فقط دو دین «یهود» و «مسیحیت» را به طور مسلم اهل کتاب می دانند و از زرتشت بعنوان شبه اهل کتاب یاد کرده اند . صاحب المبسوط در این مورد می گوید: «اهل الکتاب، و هم الیهود والنصارى... و من له شبهه کتاب فهم المجوس فحکمهم حکم اهل الکتاب» (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۹/۲)، مجوس، در حکم اهل کتاب تلقی می شوند.

علامه حلی در تحریر الاحکام (۱۴۲۰: ۱۳۴/۱) و در قواعد الاحکام (۱۴۱۳: ۵۰۷/۱) محقق کرکی در جامع المقاصد (۱۴۰۸: ۳۸۹/۱۲)، ابن ادریس حلی در السرائر (۱۴۱۰: ۷/۳) و موسی الحجاوی در الاقناع (بی تا: ۲۲۲/۲) نیز چنین بیانی دارند.

حق در معنای اصطلاحی آن

در بین حقوقدانان تعاریف گوناگونی از حق صورت گرفته است. به نظر گروهی حق، بهره و امتیازی است که برای شخص (له) بر چیزی یا بر دیگری (علیه) نسبت به چیزی (متعلق حق) اعتبار می شود و دیگران موظف به ادای آن هستند. (ورعی، ۱۳۸۱: ۳۲)

برخی دیگر نیز در تعریف حق گفته اند: «حق، مصلحت و نفعی است که ارزش مالی دارد و قانون از آن حمایت می کند.» (السمهوری، ۱۹۹۸: ۹/۱)

و اما تعریف ذیل در بیان واژه ی حق به نظر گویاتر است:

«برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم اجتماع، حقوق برای هرکس امتیازهایی در برابر دیگران می شناسد و توان خاصی به او می بخشد. این امتیاز و توانایی را «حق» می نامند که جمع آن حقوق است.» (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲)

حقوق غیرمسلمانان در قوانین اساسی ایران و پاکستان

از آن جا که غیرمسلمانان، پس از انعقاد قراردادهایی مانند: عقد ذمه، معاهده و امان، جزء شهروندان جامعه اسلامی به شمار می روند و می توانند تابعیت کشور اسلامی را کسب کرده و مورد حمایت آن قرار گیرند، از حقوق و مزایایی برخوردار می شوند که در قانون اساسی ایران و پاکستان به برخی از این حقوق اشاره شده است. بنابراین در ادامه ی

بحث، اول به نقاط اشتراک سپس به نقاط افتراق و پس از آن به رایه ی برخی پیشنهادات پرداخته خواهد شد؛ زیرا به اقتضای عصر حاضر (I.C.T and Information and communication Technology) و برای پرکردن خلأهای موجود، توجه به این پیشنهادات برای هر دو کشور ضروری به نظر می رسد. (Collins cobuild 1998pp.865, 1715)

موارد مشترک قانون اساسی دو کشور

حق برابری و عدم تبعیض

از آنجا که یکی از مهمترین اهداف دین مبین اسلام ، برقراری عدالت و برابری میان انسان ها است، لذا به شدت با تبعیضات ناروا و عدم تساوی افراد مخالفت نموده است، بعنوان نمونه آیه ۱۳ سوره حجرات می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی تردید خداوند دانای آگاه است).

قانون اساسی ایران در اصل نوزدهم به این مهم اشاره نموده تصریح می کند: « مردم ایران از هر قوم و قبیله ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این ها سبب امتیاز نخواهد شد.» (کمالان، ۱۳۸۶: ۳۱)

همچنین در بند نهم از اصل سوم یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران « رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی» دانسته شده است. (همان: ۲۴)

قانون اساسی پاکستان در دو اصل پیاپی بیست و پنجم و بیست و ششم به این مورد اشاره کرده است. در اصل بیست و پنجم بیان می دارد: (۱) همه ی شهروندان از نظر قانون برابر و از حمایت یکسان قانون برخوردار می باشند.

(۲) هیچ گونه تبعیضی به علت جنسیت وجود نخواهد داشت.

(۳) مفاد این اصل مانع از آن نمی‌شود که دولت تمهیدات ویژه‌ای برای حمایت از زنان و کودکان قائل شود.» اصل بیست و ششم: «برای استفاده از محل‌های سرگرمی و تفریحگاه‌هایی که فقط جنبه‌ی مذهبی نداشته باشند برای هیچ‌شهروندی از لحاظ نژاد، مذهب، طبقه اجتماعی، جنسیت، محل سکونت و یا زادگاه تبعیض وجود نخواهد داشت.»
(M.Mmhmoood 2011:PP.354 , 393)

حق امنیت

یکی از حقوق اساسی همه‌ی شهروندان یک نظام سیاسی، حق امنیت است. پس از این که غیرمسلمانان قوانین کشور اسلامی را بپذیرند، تبعه‌ی آن کشور محسوب شده و جان، مال و حیثیتشان، مانند مسلمانان، در پناه حکومت اسلامی قرار می‌گیرد و هیچ‌کس حتی حاکم حق ندارد ظالمانه و بر خلاف قانون با آنان رفتار کند.

حضرت محمد (ص) فرمودند: «هر کس به شخصی که در پناه اسلام است، ظلم کند و او را کم انگارد و بیش از طاقتش بر او تکلیف کند یا چیزی بدون اجازه از او بگیرد، در قیامت من خصم او خواهم بود.» (ابن کثیر، ۱۳۹۶: ۲۹/۲)

همچنین امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «اموالهم كأموالنا و دمائهم كدمائنا» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۱۱/۱۱۹) غیرمسلمانان هم‌زیست اموالشان مانند اموال ما و خون‌هایشان مانند خون‌های ما [در پناه حکومت اسلامی] است.

بسیاری از فقهای بزرگ اسلام بر وجود چنین حقی برای غیرمسلمانان اشاره نموده‌اند. به عنوان نمونه، علامه حلی در مورد تأمین امنیت برای غیرمسلمانان می‌نویسد: «هرگاه قرار داد ذمه منعقد شد، جان‌ها و اموال و فرزندان نابالغ آنان از قتل، اسارت و غارت در امانند، مادامی که در ذمه هستند» (حلی ۱۴۱۴: ۳۲۳/۹)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم، تأمین امنیت و حمایت از همه‌ی افراد ملت را امری ضروری دانسته و در اصل بیستم بیان می‌دارد: «همه‌ی افراد ملت، اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه‌ی حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» (کمالان، ۱۳۸۶: ۳۱)

همچنین در اصل بیست و دوم می گوید: «حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.» (همان: ۳۲)

قانون اساسی پاکستان نیز این حق را برای غیرمسلمانان قایل شده در اصل نهم بیان می دارد: «هیچکس از زندگی و آزادی محروم نخواهد شد مگر به موجب قانون.» (M.mahmood;2011:P225)

همه گزاره های قانونی مذکور به صورت موصول عام و به اصطلاح اهل منطق، قضیه کلیه اعم از موجبه و سالبه، ذکر گردیده که شمول آن برای کلیه ی اتباع یک کشور، بدون تردید است.

حق مالکیت

در تعریف مالکیت گفته شده «مالکیت حقی است دائمی که به موجب آن شخص می تواند در حدود قوانین تصرف در مالی را به خود اختصاص بدهد و از تمام منافع آن استفاده کند» (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱۰۶)

حق مالکیت یکی از مهمترین حقوق غیرمسلمانان ساکن کشور اسلامی بشمار می رود . امیر المؤمنین (ع) مالکیت غیرمسلمانان را مانند مالکیت مسلمانان نافذ و مشروع دانسته و در این مورد می فرماید «اموالهم کامالنا و دمائهم کدمائنا» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۱۱/۱۱۹)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در دو اصل پیاپی چهل و شش و چهل و هفت حق مالکیت را برای همگان به رسمیت شناخته و بیان می دارد: «هر کس مالک حاصل کسب خویش است» و «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است . ضوابط آن را قانون معین می کند» (کمالان، ۱۳۸۶: ۴۱)

قانون اساسی پاکستان نیز حق مالکیت را برای کلیه شهروندان خود ، اعم از مسلمان و غیرمسلمان ، قایل است و در اصل بیست و سوم بیان می دارد: «هر شهروند حق بدست آوردن، نگهداری و واگذاری اموال در هر بخشی از پاکستان را با رعایت قانون اساسی و محدودیت های متعارفی که قانون برای مصلحت عموم تعیین می نماید، خواهد داشت.» (M. mahmood, 2011: p 338)

البته مشروع بودن مالکیت در ادیان و مذاهب مختلف، تفاوت دارد؛ زیرا ممکن است مالکیت مالی در یک دین مشروع بوده اما در دینی دیگر، چنان مالکیتی مشروعیت نداشته باشد؛ بنابراین هرگونه مالکیتی برای کفار، که در آئین خودشان مشروع باشد قابل احترام است. همان طور که مالکیت خمر و خوک برای آنان مشروع و صحیح است البته مالکیتی که باعث ایجاد مفسده و ضرر برای مسلمانان نشود.

محقق حلی در این زمینه می نویسد: «و لا یضمن الخمر إذا غصبت من مسلم و لو غصبها الکافر تضمن إذا غصبت من ذمی مستتراً و لو غصبها المسلم و کذا الخنزیر.» (محقق حلی، ۱۴۰۹: ۴/۷۶۲) چنان که می بینیم، حتی حیف و میل کردن گوشت خوک و شراب غیر مسلمان، ضمان آور است.

حق مسکن و سکونت

غیرمسلمانان پس از پذیرش قوانین حکومت اسلامی حق دارند در هر نقطه از سرزمین اسلامی اقامت دائم یا موقت اختیار کنند. قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل ۳۳ می نویسد: هیچ کس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد. (کمالان، ۱۳۸۶: ۳۵) و نیز در اصل بیست و دوم، مسکن اشخاص را از تعرض مصون می داند و در اصل سی و یکم تصریح می دارد: «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد ایرانی و خانواده ایرانی است...» همچنین در اصل سی و سوم بیان می دارد: «هیچ کس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد.» (همان: ۳۴ و ۳۵)

چنان که مذکور گردید، گزاره های قانونی فوق به صورت قضایای کلیه اعم از سالبه و موجبه مطرح می گردد و عاری از قید مسلمان بودن می باشد و قهراً هر شهروند را اعم از مسلمان و غیر مسلمان به صرف اینکه تبعه و مقیم ایران باشد شامل می گردد.

قانون اساسی پاکستان نیز، این حق را به صورت مصدافی تر به رسمیت شناخته در اصل پانزدهم مقرر می دارد: « با رعایت محدودیت های متعارفی که قانون با توجه به منافع عموم وضع می نماید، هر شهروند حق ورود آزادانه، سفر و سکونت و اقامت در هر بخشی از پاکستان را خواهد داشت.» (M.mahmood, 2011:P 281)

بنابراین غیرمسلمانان با پذیرش تابعیت کشور اسلامی از باب حق شهروندی، برخوردار از سکونت در هر نقطه ای از کشور متبوع خواهند بود. (M. mahmood, 2011:p281)

آزادی مسکن برای غیرمسلمانان دارای خصوصیات و آثار ویژه ای است:

۱- داشتن اقامتگاه دائمی برای گروه های مذهبی فوق الذکر ضرورتی ندارد و تابع اراده آن هاست.

۲- اقامتگاه تبعه ی پیمانی ممکن است متعدد باشد.

۳- اقامتگاه برای گروه های نامبرده همیشگی نیست و آنان می توانند به اختیار خود هر وقت بخواهند محل اقامت خود را تغییر دهند و از حدود سرزمین های مسلمین خارج گردند.

۴- ورود به دارالاسلام تابع قرار داد است. (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۱۶۲)

آزادی مشروط در انتخاب شغل

حق اشتغال شهروندان غیرمسلمان در کشور اسلامی، مانند هر شهروند مسلمان، از حقوق اساسی و مسلم آنان است.

قانون اساسی ایران در اصل بیست و هشتم با صراحت و کلیت مقرر می دارد: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.» (کمالان، ۱۳۸۶: ۳۳)

و نیز در بند دوم از اصل چهل و سوم یکی از ضوابط اقتصاد جمهوری اسلامی ایران را، «تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن

وسائل کار در اختیار همه ی کسانی که قادر به کارند ولی وسائل کار ندارند در شکل تعاونی» بیان می کند. (همان : ۳۸)

و در بند چهارم از همین اصل یکی دیگر از ضوابط اقتصادی کشور را چنین مقرر می دارد:

«رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری». (همان : ۳۹) قانون اساسی کشور پاکستان نیز حق اشتغال را برای کلیه ی شهروندان پاکستانی که غیرمسلمانان مقیم و تبعه پاکستان را هم شامل می شود در نظر گرفته و در باب آزادی تجارت، کسب و پیشه در اصل هجدهم مقرر می دارد:

«با رعایت برخی شرایط که توسط قانون معین می شوند، هر شهروند حق اشتغال به هر نوع کسب یا تجارت قانونی را خواهد داشت. مع هذا، هیچ چیز در این اصل مانع از انجام امور ذیل نمی شود:

الف) تنظیم هر نوع تجارت یا حرفه بوسیله سیستم صدور پروانه

ب) تنظیم تجارت، بازرگانی یا صنعت به منظور ایجاد رقابت آزاد در آن

ج) انجام هر نوع تجارت، کسب و پیشه، صنعت یا خدمات توسط حکومت مرکزی یا ایالتی یا شرکت تحت کنترل یکی از حکومت های مزبور بطوری که به صورت کلی یا جزئی مانع سایر افراد شود.» (M. mahmood, 2011:p300)

همچنین در بند دوم از اصل یازدهم این قانون به ممنوعیت بعضی کارها اشاره شده است: «کلیه اشکال کار اجباری و خرید و فروش انسانها ممنوع می باشد.» (همان : ۲۵۵)

بدین ترتیب غیرمسلمانان حق دارند در تمام زمینه های تولیدی، صنعتی، تجاری و... به کار و کسب پردازند و دولت اسلامی نمی تواند آن ها را از شغلی منع و یا به کاری اجبار کند.

حق تأمین اجتماعی

وفق اصل بیست و نهم قانون اساسی ایران، تأمین اجتماعی حق همگانی، اعم از مسلمانان و غیر مسلمانان است و مقرر می دارد: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، پیری، از کار افتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به

خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.» (کمالان، ۱۳۸۶: ۳۳)

همین طور اصل سی و هشتم قانون اساسی پاکستان هم با طول و تفصیل بیشتری در این زمینه مقرر می دارد:

«دولت امور ذیل را برای بالا بردن رفاه اقتصادی و اجتماعی مردم انجام خواهد داد:

الف- بدون توجه به جنس، طبقه اجتماعی، عقیده یا نژاد، با بالا بردن سطح زندگی مردم، جلوگیری از انباشتن ثروت و ابزار تولید در دست اقلیت به طوری که مغایر با منافع عامه باشد، و با تضمین تنظیم عادلانه حقوق متقابل کارفرمایان، کارگران، و موجران و مستأجران، رفاه مردم را تأمین خواهد نمود.

ب- براساس میزان منابع موجود کشور، برای تمام شهروندان تسهیلات کار و معاش کافی، استراحت و تفریح متعارف فراهم خواهد آورد.

ج- برای همه افرادی که در دستگاه های دولتی پاکستان و غیره شاغل می باشند، تأمین اجتماعی را از طریق بیمه اجتماعی اجباری و دیگر راه ها فراهم می سازد.

د- بدون توجه به جنس، طبقه اجتماعی، عقیده یا نژاد، برای همه شهروندانی که برای همیشه یا مدتی قادر به تأمین معاش خود بر اثر ناتوانی، بیماری یا بیکاری نباشند، نیازهای اولیه زندگی از قبیل غذا، پوشاک، مسکن، آموزش و درمان را فراهم خواهد نمود.

ه- اختلاف سطح درآمد و عایدی افراد را از جمله اشخاصی که در بخش های مختلف دستگاه دولتی پاکستان اشتغال دارند، کاهش خواهد داد.

و- ربا را در اسرع وقت از بین می برد. « (M. mahmood, 2011: p 409)

چنان که در بندهای فوق ملاحظه می گردد، غیرمسلمانان، همانند مسلمانان به طور عموم و فراگیر، از حق تأمین اجتماعی برخوردار می گردند. مزیت این بندها نسبت به اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تفصیل بیشتر مطلب است که به نظر می رسد با فن قانون نویسی و قانون گذاری مناسبی بیشتری دارد.

حق آموزش و پرورش

برخورداری از حق آموزش و پرورش آن هم به طور رایگان، از حقوق حیاتی هر شهروند یک نظام حکومتی است، از این رو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در بند سوم از اصل سوم، یکی از وظایف بسیار مهم حاکمیت را این چنین اظهار می دارد: «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی» و همچنین در اصل سی ام بیان می کند: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ی ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی راتا سرحد خود کفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.» (کمالان، ۱۳۸۶: ۳۴)

در قانون اساسی پاکستان ذیل اصل بیست و دوم که مربوط به مفاد این حمایت از مقررات مربوط به مذهب در مؤسسات آموزشی است مقرر می دارد: ۱- شخصی که وارد یک مؤسسه آموزشی می شود، مجبور به فراگیری تعالیم دینی، با شرکت در مراسم و عبادات مذهبی غیر از مذهب خود نخواهد بود. ۲- در مورد مؤسسات مذهبی، از لحاظ اعطای بخشودگی، با دادن امتیاز در خصوص وضع مالیات، نسبت به هیچ گروهی تبعیض وجود نخواهد داشت. ۳- با رعایت قانون: الف) برای هیچ گروه دینی یا فرقه مذهبی، در زمینه ارائه تعالیم مذهبی به پیروان دین یا فرقه مزبور، در هر مؤسسه آموزشی که کاملاً توسط آن گروه یا فرقه مذهبی تأسیس شده باشد، ممنوعیتی وجود نخواهد داشت. ب) هیچ شهروندی صرفاً به دلیل نژاد، دین، طبقه اجتماعی یا محل تولد، از ورود به مؤسسات آموزشی که از بودجه دولت کمک دریافت می نمایند، محروم نخواهد شد.

(M. mahmood, 2011:p335)

حقوق عمومی

از حقوق عمومی مهم غیرمسلمانان که در قوانین اساسی ایران و پاکستان به آن توجه شده حق شرکت آنان در حاکمیت و قانون گذاری است.

مطابق اصل شصت و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حق انتخاب نماینده در مجلس شورای اسلامی را برای غیرمسلمانان برسمیت شناخته ، مقرر می دارد :

«...زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می کنند...» (همان: P.484) به نظر نگارنده این اصل از نظر فن قانون نویسی آن هم در قانون اساسی دچار ضعف است؛ چرا که معمولاً عدد و رقم در گزاره های قوانین اساسی ذکر نمی گردد. قانون اساسی پاکستان نیز در اصل پنجاه و یکم چنین حقی را برای غیرمسلمانان به رسمیت شناخته و اعلام می دارد: «۲- الف علاوه بر کرسی هایی که در ماده ۱ آمده، در مجلس ملی ده کرسی اضافی به شرح ذیل برای کسانی که در ماده ۳ اصل یکصد و ششم به آن ها اشاره شد، اختصاص خواهد یافت:

مسیحیان ۴ کرسی

- هندوها و افرادی که به گروههای اجتماعی طبقه بندی شده تعلق دارند ۴ کرسی
 - جوامع سیک، بودائی، فارسی و سایر غیر مسلمانان ۱ کرسی
 - افرادی که به گروه کوادیان یا گروه لاهوری (که خود را احمدیان می نامند) تعلق دارند « ۱ کرسی (همان P436)
 بنابراین غیرمسلمانان با انتخاب وکلای هم عقیده خود فرستادن آن ها به پارلمان، در تعیین حاکمیت و سرنوشت سیاسی کشور خود مشارکت می کنند.
 به نظرمی رسد با توجه به عدم ثبات جمعیت و متغیر بودن آن، در بیان تعداد کرسی های مجلس برای غیرمسلمانان، اگر بجای عدد از نسبت جمعیت استفاده شود به عدالت نزدیکتر است.

حق برخورداری از وکیل

از حقوق مسلمی که غیرمسلمانان همانند مسلمانان در جامعه ی مدنی اسلام از آن بهره مند می شوند، حق داشتن وکیل در دعاوی است. قانون اساسی ایران در اصل سی و پنجم مقرر می دارد: «در همه ی دادگاهها، طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آن ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.» (کمالات، ۱۳۸۶: ۳۵)

همچنین در صدر اصل دهم قانون اساسی پاکستان نیز به حق مذکور تصریح نموده است: «کسی که دستگیر می‌شود، نباید بدون این که علت دستگیری در اسرع وقت به وی اطلاع داده شود، بازداشت و زندانی گردد یا از حق مشاوره و داشتن وکیل قانونی به انتخاب خودش محروم گردد. (M. mahmood, 2011:p247)

برخی نقاط افتراق دو قانون اساسی ایران و پاکستان

آزادی مذهبی و انجام مراسم دینی

یکی از بدیهی ترین و اصیل ترین حقوق انسانی، حق آزادی مذهبی و انجام مراسم دینی است که هیچ گاه قابل سلب از افراد نیست. دین اسلام، انسان را موجودی مختار و دارای عقیده و رأی دانسته و حتی در پذیرش دین او را آزاد گذاشته و بعنوان یک اصل کلی بیان می‌دارد: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره، ۲۵۶) (در دین اکراه و اجبار نیست به درستی که هدایت از گمراهی روشن گردید).

نقل شده، در عهدنامه هایی که رسول اکرم (ص) با پیروان اهل کتاب منعقد ساختند آزادی مذهبی آنان کاملاً به چشم می‌خورد. در عهدنامه ی آن حضرت با مسیحیان سرزمین سینا آمده است: «...من عهد می‌کنم کشیش و راهب آنان را تغییر ندهم و اشخاص تارک دنیا را از صومعه نرانم و چیزی از کلیساهای آنان، برای ساختمان مسجدها نیاورم و هر کس از مسلمانان چنین کند پیمان خدا را شکسته است... مسیحیان در اعمال مذهبی خود کاملاً آزادند.» (جرجی زیدان، ۱۳۵۲: ۱۲۰/۴) امام صادق (ع) فرمودند: «هر گروهی که به دینی معتقدند احکام آن دین بر آنان ثابت است.» (شیخ طوسی ۱۳۶۳: ۱۸۹/۴) همچنین امام خمینی (ره) در مورد آزادی مذهبی غیر مسلمانان در جامعه ی اسلامی بیان می‌دارند: «تمام اقلیت های مذهبی در حکومت اسلامی می‌توانند به کلیه ی فرایض مذهب خود آزادانه عمل نمایند و حکومت اسلامی موظف است از حقوق آنان به بهترین وجه حفاظت کند» (امام خمینی، ۱۳۷۵: ۷۵/۳)

از نظر قانون اساسی ایران، «اقلیت دینی» به افرادی اطلاق می شود که پیرو یکی از ادیان یهودی، مسیحی و یا زردشتی باشند و در اصل سیزدهم بیان می دارد: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت های دینی شناخته می شوند که در حدود قانون، در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می کنند.» (کمالان، ۱۳۸۶: ۲۸)

با توجه به این اصل، قانون اساسی ایران، پیروان ادیان یهود، مسیح و زرتشت را به عنوان تنها اقلیت های دینی به رسمیت شناخته است، بنابراین غیرمسلمانان غیراهل کتاب، از حقوق مذکور در این اصل محروم خواهند بود .

در حالی که قانون اساسی پاکستان وجود چنین حقی را برای کلیه ی غیرمسلمانان اعم از اهل کتاب و غیراهل کتاب به رسمیت شناخته و در اصول متعدد به آن اشاره نموده است. در اصل نوزدهم بیان می دارد: «هر شهروند حق برخورداری از آزادی بیان و گفتار را خواهد داشت، با رعایت محدودیت های متعارفی که قانون برای احترام به ساحت اسلام یا تمامیت ارضی، امیّت یا دفاع از پاکستان یا هر بخشی از آن، و احترام به روابط حسنه با دولت های خارجی، و نظم عمومی و احترام به آداب و اخلاق عمومی، ممانعت از اخلاص در دادگاه، ارتکاب یا تشویق جرمی وضع می نماید، مطبوعات نیز آزاد خواهند بود.

(M. mahmood, 2011:p322)

و در اصل بیستم که پیرامون انجام شعائر مذهبی و اداره ی مؤسسات مذهبی است بیان می دارد :

« با رعایت قانون، و نظم عمومی:

الف) هر شهروندی حق گرایش، ادای فرایض و ترویج دین خود را خواهد داشت.

ب) هر گروه مذهبی و فرقه های آن حق تشکیل، ایجاد و اداره مؤسسات مذهبی خود را

خواهد داشت.» (همان : ۳۳۱)

همچنین در بند (او ۲ و ۳) اصل بیست و دوم به عدم الزام افراد به یادگیری غیر مذهب

خود اشاره می نماید :

«۱- شخصی که وارد یک مؤسسه ی آموزشی می شود مجبور به فراگیری تعالیم دینی، یا شرکت در مراسم و عبادات مذهبی غیر از مذهب خود نخواهد بود.۲- در مورد مؤسسات مذهبی، از لحاظ اعطای بخشودگی با دادن امتیاز در خصوص وضع مالیات، نسبت به هیچ گروهی تبعیض وجود نخواهد داشت.۳- با رعایت قانون: الف) برای هیچ گروه دینی یا فرقه ی مذهبی، در زمینه ی ارائه ی تعالیم مذهبی به پیروان دین یا فرقه مزبور، در هر مؤسسه ی آموزشی که کاملاً توسط آن گروه یا فرقه ی مذهبی تأسیس شده باشد ممنوعیتی وجود نخواهد داشت. ب) هیچ شهروندی صرفاً به دلیل نژاد، دین، طبقه اجتماعی یا محل تولد، از ورود به مؤسسات آموزشی که از بودجه ی دولت، سهمی دریافت می نمایند، محروم نخواهد شد. (همان: ۳۳۵)

دادخواهی

مراجعه به دستگاه عدلیه و دادخواهی، حق مسلم هر فردی است که در یک نظام مدنی زندگی می کند؛ لذا دین مبین اسلام قضاوت درست و احقاق حق مظلومان را یکی از راه های ریشه کن کردن ظلم و انحراف می داند. رسول خدا (ص) می فرماید: «لن تقدس أمة لا يؤخذ للضعیف فیها حقہ من القوی غیر متعتم» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۰۸/۳۳) طبق همین مبنا، غیرمسلمانان ساکن در کشور اسلامی نیز می توانند همانند مسلمانان برای ترافع به دادگاه اسلامی مراجعه کنند. اصل سی و چهارم قانون اساسی ایران چنین حقی را برای همگان، اعم از مسلمان و غیر مسلمان به رسمیت شناخته، بیان می دارد: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه هارا در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.» (کمالان، ۱۳۸۶: ۳۵)

البته رأی برخی از فقهای شیعه این است که دادگاه اسلامی در پذیرش و عدم پذیرش دعوی غیرمسلمانان مخیر است (علامه حلی در قواعد الاحکام، ۱۴۱۳: ۳۸/۳)، محقق اردبیلی در مجمع الفائده و البرهان ۱۴۰۹: ۵۲۳/۷) و کاشف الغطاء در کشف الغطاء (بی تا،

۴۰۰/۲) برآیند. به نظر می رسد این امر ناظر به جایی است که جامعه ی اسلامی از حاکمیت اسلامی و مشروع برخورداری نیست؛ زیرا اگر به عنوان نمونه دو نفر از غیرمسلمانان به جهت رفع تنازعی که بینشان ایجاد شده، به دادگاه حکومت اسلامی مراجعه کنند و حاکم اسلامی از پذیرش آنان خودداری کند، این باعث هرج و مرج شده و موجب اخلال نظم عمومی می شود؛ اما قانون اساسی پاکستان به این حق مهم به صراحت نپرداخته است.

حق تابعیت

تابعیت عبارت است از یک رابطه سیاسی - معنوی میان فرد و دولت ، بنابراین دولت نمی تواند بدون هیچ دلیلی تبعه خود را اخراج نماید، قانون اساسی ایران به عنوان یک اصل کلی، حق تابعیت برای شهروندان خود را که شامل مسلمان و غیرمسلمان می شود، در اصل چهل و یکم لحاظ نموده، همچنین بیان می دارد که: « تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.» (کمالان، ۱۳۸۶: ۳۶). اما قانون اساسی پاکستان در این مورد بیان روشنی ندارد.

حق سیر و سیاحت

یکی از حقوقی که می توان برای غیرمسلمانان در نظر گرفت و وجود آن لازم به نظر می رسد، حق آزادی سفر اتباع (که شامل مسلمان و غیرمسلمان می شود) به هر نقطه کشور و حتی خارج کشور و حق بازگشت آنان است. اصل پانزدهم قانون اساسی پاکستان بیان می دارد: «با رعایت محدودیت های متعارفی که قانون با توجه به منافع عموم وضع می نماید، هر شهروند حق ورود آزادانه، سفر و سکونت و اقامت در هر بخشی از پاکستان را خواهد داشت.» (M. mahmood, 2011:p281)

البته به جاست که در این ماده به آزادی سفرهای خارجی هم اشاره شود. اما قانون اساسی ایران به این موضوع اشاره نکرده است .

اصول مورد نیاز برای هر دو نظام سیاسی ایران و پاکستان

۱- تحقیق و پژوهش در دین مبین اسلام از اهمیت ویژه ای برخوردار است و قرآن کریم نیز انسان را به تحقیق و پژوهش و نوآوری تشویق می کند و او را توصیه به پیشرفت علمی می نماید ، آیه ۹ سوره زمر به این امر اشاره داشته بیان می دارد: « ... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ » (بگو آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند تنها خردمندانند که پندپذیرند)



بنابراین به جاست که قانون اساسی ایران و قانون اساسی پاکستان بعنوان یک اصل کلی این حق را برای مسلمانان و غیرمسلمانان در نظر بگیرند که: هر کس حق دارد از منافع مادی و معنوی آثار علمی، ادبی و هنری خود و جامعه برخوردار شود و ابداعات، ابتکارات و تحقیقات علمی افراد با اهداف صلح آمیز مورد حمایت حکومت قرار گیرد.

۲- در قانون اساسی پاکستان حق نظارت عمومی در قالب اصل مترقی امر به معروف و نهی از منکر با سکوت قانونگذار رو به رو شده؛ زیرا ممکن است دخالت در کار دیگران تلقی شود.

۳- در قانون اساسی ایران و پاکستان به دادن حق پناهندگی به اتباع سایر کشورها در صورتی که مورد ستم و آزار و شکنجه ی دولت های خود قرار گرفته باشند، اشاره ای نشده است و با توجه به حمایت دین مبین اسلام از مظلومان و ستمدیدگان جهان، وجود چنین اصلی در حمایت از پناه جویان خارجی ضروری به نظر می رسد.

نتیجه

به نظر نویسنده مفاد اصول سیزدهم و چهاردهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با یکدیگر در تعارضند؛ چرا که شهروندان تابع ایران، منحصر به مذاهب و ادیان مورد اشاره در اصل دوازدهم و سیزدهم نیستند؛ بنابراین سایر شهروندان از حقوق مسلم خود که حداقل در احوال شخصیه باشد، محروم می مانند.

زمینه ی پناهندگی سیاسی و حمایت جدی از اتباع ستم دیده کشورهای غیرمسلمان در کشورهای اسلامی نظیر ایران و پاکستان در قلمرو قانون گذاری، در عرصه ی بین الملل خصوصی بسیار کم رنگ است. حال آن که این امر با سیره ی سیاسی پیامبر اسلام (ص) بعد از تشکیل مدینه النبی، کمتر سازگار است.

حقوق شهروندان غیرمسلمان، نباید تنها مخصوص مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان باشد؛ بلکه هر شهروند غیرمسلمان غیرمعاند و غیرمحارب با نظام اسلامی، می بایست در پناه حکومت اسلامی از مزایای حقوق شهروندی برخوردار باشد.

حال آن که این امر در قانون اساسی ایران مسکوت مانده و در قانون اساسی پاکستان نیز بصورت کلی و مطلق ذکر شده و نیازمند بازنگری است.

پیشنهاد می شود در عرصه ی تجارت جهانی که در حال حاضر پرچم داران آن، کشورهای غیرمسلمان هستند، برای کسب منافع و مصالح کشورهای اسلامی و جهان اسلام در یک پارچه سازی و تسهیل تجارت بین المللی، حداقل در مواردی به اقتضای ضرورت،

در قوانین اساسی، مقررات پویا و سازنده‌ای وضع گردد. در قوانین اساسی کشورهای جمهوری اسلامی به ویژه ایران و پاکستان، تدوین حقوق بشر جهان اسلام با پشتوانه دولت - ملت در اسرع وقت در عرصه‌ی بین‌الملل عمومی، ضروری به نظر می‌رسد تا تعامل آن با حقوق بشر عرفی ارتقا یابد. در قانون اساسی دو کشور مورد بحث، از وضع جزیه به عنوان مالیات مخصوص غیرمسلمانان مقیم در حکومت اسلامی، گزاره‌های شفاف قانونی مشاهده نگردید. حال آن‌که این ظرفیت شرعی که از مسلمات فقه اسلامی است، نباید معطل و مهجور بماند.

منابع

- قرآن کریم
نهج البلاغه
- ١- آبی، فاضل (١٤١٠) **کشف الرموز، الطبعة الاولى**، قم: الناشر جامعة المدرسين.
- ٢- ابن ادريس حلی (١٤١٠) **السرانر، الطبعة الثانية**، قم: الناشر جامعه ی المدرسين .
- ٣- ابن کثیر (١٣٩٦) **السيرة النبوية، الطبعة الاولى**، بيروت: الناشر دار المعرفة.
- ٤- ابن منظور، جمال الدين محمد بن مكرم (١٤٠٥) **لسان العرب**، نشر ادب الحوزه.
- ٥- اصفهانی، راغب (١٤٠٤) **مفردات فی غریب القرآن، الطبعة الاولى**، الناشر دفتر نشر الكتاب.
- ٦- اردبیلی، محقق (١٤٠٩) **مجمع الفائده و البرهان، الطبعة الاولى**، الناشر جامعة المدرسين.
- ٧- جوهری، اسماعیل بن حماد (١٤٠٧) **الصحاح تاج اللغة ی**، بیروت: نشر دار العلم للملایین
- ٨- حجاوی، موسی (بی تا) **الافتاح فی حل ألفاظ أبی شجاع**، بیروت: الناشر دار المعرفة
- ٩- حر عاملی، محمد (١٤١٤) **وسائل الشیعه، الطبعة الثانية ی**، قم: نشر مؤسسه ی آل البيت (ع) لإحياء التراث
- ١٠- حلی، حسن بن یوسف (١٤٢٠) **تحریر الاحکام، الطبعة الاولى**، الناشر مؤسسه الامام الصادق (ع).
- ١١- (١٤١٤) **تذکرة الفقهاء، لإحياء التراث**، قم: نشر مؤسسه ی آل البيت (ع).
- ١٢- (١٤١٣) **قواعد الاحکام، الطبعة الاولى**، قم: الناشر مؤسسه ی النشر الاسلامیه.

- ۱۳----- (۱۳۳۳) منتهی المطلب، تبریز: نشر حاج احمد.
- ۱۴----- (۱۴۱۰) نهاییه‌ی الاحکام فی معرفة الاحکام، الطبعة الثانية ی، قم: مؤسسه ی اسماعیلیان.
- ۱۵- حلی، جعفر (۱۴۰۹) شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، الطبعة ی الثانية ی، تهران: الناشر انتشارات الاستقلال
- ۱۶- خامنه ای، سید علی (۱۴۱۵) اجوبه ی پ الإستفتائات، الطبعة ی الاولى الناشر دارالنیا للنشر و التوزیع.
- ۱۷- خویی، ابوالقاسم (۱۳۷۱) مصباح الفقاهة، الطبعة الثالثة، الناشر وجدانی
- ۱۸- خمینی، روح الله (۱۳۶۸) صحیفه نور، تهران : سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی
- ۱۹- سمهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۹۸) مصادر الحق فی الفقه الاسلامی، بیروت: نشر منشورات الحلبي الحقوقية
- ۲۰- شهید اول (محمد بن ملی عاملی) (۱۴۱۱) اللمعة الدمشقية ، الطبعة الاولى، الناشر دارالفکر
- ۲۱- طریحی، فخرالدین (۱۴۰۸) مجمع البحرين ، الطبعة الثانية، الناشر مكتب نشر الثقافة الاسلامية
- ۲۲- طوسی، ابو جعفر (۱۳۶۳) الاستبصار ، الطبعة الرابعة ، الناشر دار الكتب الاسلاميه
- ۲۳----- (۱۴۱۷) الخلاف، الطبعة الاولى، قم: الناشر مؤسسة النشر الاسلامی،
- ۲۴----- (۱۳۸۷) المبسوط فی فقه الاماميه ، نشر المكتبة المرتضوية
- ۲۵- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۹) فقه سیاسی، چاپ اول، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها

۲۶- قلعجی، محمد (۱۴۰۸) **معجم لغة الفقهاء، الطبعة الثانية**، بیروت - لبنان:

دار النفائس

۲۷- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰) **دوره مقدماتی حقوق مدنی اموال و مالکیت**،

چاپ چهارم، نشر دادگستر

۲۸- ----- (۱۳۷۹) **مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران**، چاپ

بیست و ششم، ناشر شرکت سهامی انتشار

۲۹- کاشف الغطاء، جعفر (بی تا) **کشف الغطاء، الطبعة حجرية**، اصفهان: الناشر

مهدوی

۳۰- کچا، رشید (۲۰۱۱) **قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان**، کراچی،

چاپ دهم، انتشارات خانه قانون

۳۱- کمالان، سید مهدی (۱۳۸۶) **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، چاپ

دوم، تهران: انتشارات کمالان

۳۲- کرکی، محقق (۱۴۰۸) **جامع المقاصد، الطبعة الاولى**، قم: الناشر مؤسسة آل البيت

(ع)

۳۳- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳) **بحار الانوار**، بیروت - لبنان: الناشر مؤسسة الوفاء

۳۴- ورعی، جواد (۱۳۸۱) **حقوق و وظائف شهروندان و دولتمردان**، چاپ

اول، ناشر دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری

35-Collins cobuild,vilaim,(1998) Dic, pub bg Harper collins
the university of Birmingham, Great Britain, London.

36- Hornby, A S, (1987) , london, Oxford Advanced learner's
Dic of Current English

37- M.mahmood,(2011) , lahour Nineteenth Amendment
Act, The Constitution Of Islamic Republic Of PAKISTAN,

38-www.Google.com. Mapping the Global Muslim Population :
(2009), london, A Report on the size and Distribution of
the worls Muslim population,